

ما بسیارانیم - ای جلاد ننگت باد

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

"هرکس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید. در مورد رسیدگی به وضع پرونده ها در هر صورت که حکم سریعتر اجرا شود همان مورد نظر است".

آیت الله خمینی

در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ خورشیدی به دستور و نظارت کامل خمینی هزاران نفر از زندانیان سیاسی را که برخی حتی مدت حبس آنها به پایان رسیده بود اعدام نمودند. اعدام ها مخفیانه و در سراسر زندانهای جمهوری اسلامی بر بریت و در اقصا نقاط ایران انجام شد. حکم تکمیلی بالا را خمینی در پاسخ پرسش مقامات اجرا کننده قتل عام تحریر میکند و خواستار هر چه سریعتر کشتن فرزندان ایران زمین میشود. خوانندگان مطلب کوتاه من میتوانند برای مطالعه و آگاهی بیشتر از جزئیات اعدام ها و سرنوشت و حال روز بسیاری از زندانیان سیاسی در آن تابستان ۶۷ به کارها و دفتر خاطرات عزیزان بازمانده از کشتار و شاهدین زنده و پیکارگر آن ایام از جمله مهدی اصلانی مراجعه نمایند و به شهادت و روایت مژده ارسی ها توجه کنند تا از چگونگی شکنجه ، تجاوز ، تحقیر و سپس قتل عام مذکور آگاهی یابند.

من از درج مجدد دستور خمینی برای کشتن زندانیان سیاسی اما که هدف دیگری را هم جستجو میکنم از جمله معنا و مفهوم نفاق که با تاسیس جمهوری اسلامی و به منظور ترور و نابودی مخالفین سیاسی خمینی و یاران بکار گرفته شد. منافق لقب مبارزی شده که به نظر خمینی و دستیاران او در ظاهر دعوی مسلمان بودن دارد ولی در باطن دشمن سبطه سیاسی آنهاست! میخواهم با خواندن مجدد متن دستور خمینی در کشتن زندانیان سیاسی تأمل کنم و بنویسم که آیا اهل سنت هم میتوانند مسلمانان شیعه را برای نفاق و بدعت گذاری های آنها سوای صحت و سقم مطالب و ادعاها قتل عام کنند. آیا ابوبکر بغدادی ها بشمار آرائ نظرات خمینی را از باب نفاق نمیدانند. مسئله امام زمان امامت واصل ولایت فقیه را چطور؟ که اگر قرار باشد هرکس نشسته بر مسند قدرت ، مخالفین سیاسی خود را مورد ارزیابی مذهبی قرار داده و بدین وسیله حکم به قتل آنان را صادر کند پس مسئله قوانین موضوعه تفاوت های مذهبی و دینی و عقیدتی چه میشود. مثلاً میتوان هم اکنون حکم به قتل عام اکثر ایرانیان و شهروندان مملکتی داد که اصل ولایت فقیه را مصداق بر بریت و عقب ماندگی از چرخه تمدن و تطور انسانی میدانند و در روز روشن به ریش رهبر میخندند و نفرین آنها علیه قاتلین فرزندان شان ادامه دارد؟

گویی برای افشا کشتار ۶۷ از مراحل گذر کرده باشیم. در سالهای نخست گوش و چشم رسانه های غربی اکیدا بروی این اخبار قتل عام و کشتار زندانیان سیاسی بسته بود که سیاست انتقاد و اتحاد آن رویکرد اصلی آمریکا و اتحادیه اروپا نسبت

به جمهوری اسلامی بود. پایان جنگ عراق و جمهوری اسلامی به خواست و تمهیدات آمریکا (عدم فروش سلاح و جلوگیری از فروش آن ملزومات توسط دیگران ارسال ۶۶) جایی برای انعکاس کشتار ۶۷ در رسانه های غرب باقی نگذازرده که سیاست انتقاد اتحاد با ورود رفسنجانی به کاخ ریاست جمهوری شروع شده بود! که نه او و نه نخست وزیر موسوی را با این فجایع و قتل عام ها کاری نبود! آیت الله منتظری اما که زنگ آغاز افشاگری ها از جناح دولتی بود. حتی پس از گزارشات و افشاگری های مکرر منتظری هیچکدام از مقامات مسئول از موسوی تا خامنه ای و دیگران را با این فاجعه ملی کاری نبود که خود رئیس دولت و دیگری رئیس جمهور بود! اعدام های فله ای را میدانستند و نامه های متعدد خانواده های زندانیان سیاسی به دستشان رسیده بود ولی صحبت از قتل عام تابستان ۶۷ شد خط قرمز آنها که تا همین امروز ادامه دارد. شاهدین خبر از تجاوز به زندانیان میدهند که طبق باور خمینی و یاران تروریست او نباید با کره راهی دیار باقی شوند!

ما اما که زوایه دید خود را نسبت به قتل عام زندانیان سیاسی تابستان ۶۷ همواره و با هشجاری گسترش داده و کشتار زندانیان سیاسی را از همان روز نخست که عوامل رژیم پیشین را مخفیانه اعدام نمودند افشا میکنیم. که نباید کشتار ۶۷ را مقوله ای جدا از قتل عام دهه ۶۰ مخالفین رژیم بر بریت تصویر نمود. رژیمی که علیرغم باور برخی اکیدا سوار موج اعتراضی مردم نشد بلکه به باور من موج سوار جنبشی شدند اسلامی که قرار بود جای دیکتاتورهای پیرو فرنت و بی آینده منطقه بنشینند. کسانی که در راه پیمایی میلیونی تاسوعا و عاشورا سال ۵۷ حضور داشتند میدانند که سازماندهی آن جمعیت انبوه و شعارهای انحصاری سازمانگران و آخوندهای حاضر (آخوند غفاری) در صحنه اکیدا اجازه حضور و خودنمایی و یا طرح شعاری غیر از موارد مورد نظر اسلاميون در صحنه داده نمیشد. همان جمعیت میلیونی که از مسجد قبا در شمشیران براه می افتد و شاه هم نظاره گر حرکت آنهاست! که انقلاب اسلامی در پاییز سال ۵۷ رسماً پرچم رهبری جنبش اعتراضی را در دست گرفت و با تشکیل جوخه های ترور ، آدم دزدی و سرکوب سایرین فضای خفقان و کشتار را فراهم آوردند. سازماندهی گروه های تروریستی نه تنها در تهران که در مشهد رشت تبریز و اصفهان و ... اکیدا از حضور و خودنمایی چپ و دموکراتها عملاً جلوگیری نمودند تا به ارباب در سفارت آمریکا در تهران ثابت نمایند که مردم میدان هستند و در صورت قبض قدرت سیاسی و سپرده شدن آن به اردوی خمینی ایران همان گورستان و دریای آرامش مورد نظر انحصارات امپریالیستی باقی خواهد ماند.

کشتار انقلابيون از همان پاییز ۵۷ خورشیدی و توسط جوخه های ضربت تحت فرماندهی مخفی و بسیار مصمم تروریستها آغاز شد. آدم ربایی ها و سر به نیست کردن های بسیار اتفاق افتاد. که ارتش ۲۰ میلیونی و اوک (وزارت اطلاعات) خمینی از همان پاییز ۵۷ آغاز بکار کرد و کلیه محلات در شهرها از طریق عوامل مسجد محل مورد شناسایی قرار گرفته و هشدارهای رسمی و کتبی روانه خانه های شد که زندانی سیاسی در زندانهای شاه داشتند و یا فرزندان آنها در گردهمایی های سازمانهای سیاسی حضور بهم میرسانند. که کار کشتار با کار اطلاعاتی مساجد و قبل از تاسیس جمهوری اسلامی آغاز شده بود. به همان نشان که در نخستین ماه های حضور جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی زمان شاه و فعالین سازمانهای چپ و مجاهدین اکیدا نتوانستند در خانه های فامیلی خود بمانند و آواره شدند! که کار تکمیل سبطه تروریستی طبق نقشه آغاز و با کشتار ۶۷ به اوج خود رسید.

علیرغم تصاویر کشتار ۶۷ و خاطرات مبارزین و پیکارگران بجا مانده از آن قتل عام مینویسم که آن سال ها تنها سال های زندان شکنجه و اعدام سالهای کتاب سوزان و بدن سوزان نیستند که آن روایت خاتمه ای دارد نوشتنی. که آن دوران نه تنها زمان وحشت که دوران مقاومت ها و پایداری های بسیار نیز بود. که دیوارهایی از سلول های زندان پر شد از شور و شعار و جوانه های امید برای ما. آنجا که نظام اسلامی گور خود را کند و بشریت مترقی در چهره زندانیان سیاسی نمایندگان خود را یافت. که نفاق به معنای امروزی به مفهوم این است که به ملت قول آب و برق مجانی و عزت و مکننت و رفاه و آزادی بدهی ولی بر مرکب قدرت آنان را جگرسوز کنی و شکنجه و اعدام و تجاوز به عزیزانشان. حکم نفاق و از سوی ملت در روز شکست و سرنگونی شما منافقین واقعی چه باید باشد؟ شما که اسباب بازی ارباب سرمایه بین المللی و تنها بخشی از تئاتر وحشت حکم رانی انحصارات امپریالیستی نشسته بر فرهنگ و امانده مذهبی و بربریت بومی خودمانی هستید. که در سالگرد قتل عام ۶۷ مینویسم ای جلاد ننگت باد که باورتان خز عباتی است آبرو باخته و دست ساز!

